

مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در والدین و فرزندان جوان آنها*

A Comparison of Family Structure Perception and Ideal Between Parents and Their Young Children

A. Mazaheri, Ph.D. ✉

M. S. Sadeghi, M. A.

M. Heydari, M. A.

دکتر علی مظاهری ✉

دانشیار پژوهشکده خانواده و گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

منصوره السادات صادقی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

محمود حیدری

مربی گروه روان‌شناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

The present study is aimed to compare family structure perceived and ideal between parents and their young adult children. 367 families (n=1128) including father, mother, and a young adult child (15-29) were selected randomly through cluster sampling among families inhabited in Tehran, Isfahan, Tabriz, Sanandaj, and Khoramabad. All three members completed Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (third version, FACES-III, Olson et al., 1985) separately. Before carrying out the questionnaires, demographic information of family members was adopted by an interview. The results of the present study indicate

چکیده:

هدف از اجرای پژوهش حاضر - به‌عنوان یک پژوهش ملی - مقایسه ادراک و آرمان ساختار خانواده در والدین و فرزندان جوان آنها می‌باشد. بدین منظور تعداد ۳۷۶ خانواده (۱۱۲۸ نفر) متشکل از پدر، مادر و یک فرزند جوان (۱۵ تا ۲۹)، از میان خانواده‌های ساکن در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، سنندج و خرم‌آباد با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. هر سه عضو خانواده‌های شرکت‌کننده در طرح به‌طور جداگانه مقیاس ارزشیابی انطباق‌پذیری و پیوستگی خانواده (ویرایش سوم، FACES-III، السون و همکاران، ۱۹۸۵) را تکمیل کردند. قبل از اجرای پرسشنامه‌ها، اطلاعات دموگرافیک مورد نیاز در مورد خانواده طی مصاحبه‌ای با اعضای خانواده، اخذ گردید. یافته‌های

✉ Corresponding author: Dept. Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G.C., Iran.
Tel: +9821-22431814
Fax: +9821-29902368
Email: m-mazaheri@sbu.ac.ir

* این پژوهش با حمایت مالی سازمان ملی جوانان انجام شده است.
✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیک: email: m-mazaheri@sbu.ac.ir

that there is no significant generation gap in the field of family structure and function (at perceived and ideal levels) and most of the families are placed in a balanced family system. Although, from the perceived family structure point of view, both fathers and mothers have perceived their family structure as "flexible-cohesive", their young children have perceived their real family structure as "disorganized-cohesive". Also, a general addup of the five cities being studied revealed that all three members, including father, mother, and child, described their ideal family structure as "disorganizedcohesive". In other words, they wish more cohesion and flexibility. Moreover, comparing the results is indicative of significant differences between perceived and ideal conditions of youth as well as perceived and ideal conditions of parents. In order to explain the placement of family in a balanced condition and the absence of generation gap, we relied on the balanced family system with a more positive condition in comparison to other family systems and leads to balance and healthy family function. Appropriate adaptability and cohesion in these systems are among the healthy functioning and family structure criteria in circumplex theory of Olson and many other structural theories of family. They might be of the important factors of intergenerational solidarity and agreement. Yet, while explaining parents' and children's differences in cohesion and adaptability conditions, investigators believe that several factors result in different or contrast parent-child views regarding communication (real or hypothetical): different experience of stressors, social environment, different expectations.

KeyWords: perceived condition, ideal condition, family, parents, young children.

پژوهش با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس آمیخته و یک‌راهه و آزمون تعقیبی شفه تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که فاصله قابل توجه نسلی در حوزه ساختار و کنش خانواده (در سطح ادراک شده و ایده‌آلی) وجود ندارد و بیشتر خانواده‌ها در نظام خانوادگی متعادل جای دارند. البته از نظر ساختار ادراک شده خانواده در حالی که هر دوی والدین ساختار خانواده خود را به صورت «انعطاف‌پذیر - پیوسته» ادراک کرده‌اند، فرزندان جوان آن‌ها ساختار واقعی خانواده خود را به صورت «بی‌نظم - پیوسته» ادراک کرده‌اند. هم‌چنین در جمع‌بندی کلی از پنج شهر مورد مطالعه، داده‌ها نشان می‌دهند که هر سه عضو مورد مطالعه خانواده، یعنی والدین و فرزند ساختار ایده‌آلی خانواده خود را به صورت «بی‌نظم - پیوسته» ترسیم کرده‌اند و به عبارت دیگر خواهان پیوستگی و انعطاف‌پذیری بیشتری هستند. هم‌چنین مقایسه نتایج داده‌ها حاکی از وجود تفاوت معنادار بین وضعیت‌های ادراک شده و ایده‌آلی جوانان و هم‌چنین وضعیت‌های ادراک شده و ایده‌آلی والدین است. تفسیر و تبیین یافته‌های پژوهش در محورهای زیر انجام شده است: در مورد تبیین قرار گرفتن خانواده در وضعیت متعادل و فقدان شکاف نسلی، به نظام خانوادگی متعادل که وضعیت مثبت‌تری نسبت به سایر نظام‌ها دارد و منجر به توازن و کارکرد سالم خانواده‌ها می‌شود، استناد شده است. انطباق‌پذیری و پیوستگی مناسب در این نظام، یکی از معیارهای سلامت کنش‌وری و ساختار خانواده در نظریه سر کامپلکس السون و نیز بسیاری از دیگر نظریه‌های ساختاری خانواده محسوب شده و از عوامل مهم انسجام و میزان توافق بین نسلی می‌تواند باشد. در عین حال پژوهشگران در تبیین تفاوت‌های والدین و فرزندان در وضعیت‌های پیوستگی و انطباق‌پذیری اعتقاد دارند عوامل مختلفی از جمله: تجربه متفاوت شرایط استرس‌زا، محیط اجتماعی، انتظارات متفاوت و مانند آن به تفاوت یا تضاد دیدگاه والد-فرزند در خصوص ارتباط (واقعی یا فرضی) منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: وضعیت ادراک شده، وضعیت ایده‌آلی، خانواده، والدین، فرزندان جوان

اثر آموزش والدین بر مبنای برنامه فرزندپروری مثبت (3P)
بر سلامت روان شناختی مادران کودکان مبتلا به
اختلال نافرمانی مقابله‌ای (ODD)

The Effectiveness of The Triple P-Positive Parenting Program
on Psychological Well Being of Mothers of Children with
Oppositional Defiant Disorder (ODD)

M. Jalali, M.S.

E. Pourahmadi, M.S. ✉

K. Tahmassian, Ph.D.

M. Shaeiri, Ph.D.

محسن جلالی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

الناز پورا احمدی ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدرضا شعیری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شاهد

چکیده:

Abstract

He purpose of this study was to investigate the effectiveness of the triple p-positive parenting program on psychological well-being of mothers of children with oppositional defiant disorder (ODD). Four schools of Nahavand were randomly selected. 30 mothers whose children scored

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش والدین براساس برنامه فرزندپروری مثبت (P3) بر سلامت روان‌شناختی مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای طراحی و اجرا شد. این مطالعه از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بوده و جامعه مورد مطالعه آن را مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۱۰ ساله دبستان‌های پسرانه شهرستان نهاوند تشکیل می‌دهند.

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology
Shabestar Payamnoor University, Tabriz, Iran
Tel:+98411-3857803
Fax:+98411-6566661
Email: empj1359@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تبریز - دانشگاه پیام نور شبستر - گروه
روان‌شناسی
تلفن: ۰۴۱۱-۳۸۵۷۸۰۳ - دورنما: ۰۴۱۱-۶۵۶۶۶۶۱
email: empj1359@yahoo.com پست‌الکترونیکی:

above cut-point on oppositional defiant disorder subtest of Child Behavioral Checklist (CBCL) and their problems were also clarified by the Teacher Report Form (TRF) were selected.

General health questionnaire (GHQ-28) was completed by mothers. 20 mothers who scored below cut off point in general health questionnaire (GHQ-28) were randomly selected and allocated to the experimental and control groups. Experimental group received Triplep for 8 weeks, each sessions two hours per week. Upon the completion of the training, the General health questionnaire (GHQ-28) was administered as a post-test to both groups of mothers. Data was analyzed using Mann-Whitney U procedure. The results indicated that there is a significant difference between experimental and control groups after training.

Experimental group revealed a significant decrease in subscales of physical symptoms, anxiety and depression after training ($p < 0/05$). No Significant difference was found between two groups in subscales of malfunctioning after training ($p = 0.15$).

Keywords: positive parenting program, oppositional defiant disorder, Psychological Well Being, CBCL, TRF.

نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد و ۳۰ نفر از مادران کودکانی که براساس فهرست رفتاری کودک (CBCL) و فرم گزارش معلم (TRF)، مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای (ODD) تشخیص داده شده بودند، انتخاب شده و سلامت روانی آن‌ها با استفاده از پرسشنامه ۲۸ سؤالی سلامت روانی (GHQ-28) مورد ارزیابی قرار گرفت.

در نهایت ۲۰ نفر از مادرانی که در پرسشنامه سلامت روان نمره‌ای برابر یا بالاتر از نقطه برش (۲۳) گرفتند، انتخاب و به دو گروه آزمایش ($n = 10$) و گواه ($n = 10$) تقسیم شدند. سپس برنامه آموزش فرزندپروری مثبت به مدت ۲ ماه در ۸ جلسه آموزشی ۱۲۰ دقیقه‌ای برای آزمودنی‌های گروه آزمایش اجرا شد. سلامت روانی مادران دو گروه بلافاصله پس از پایان جلسات آموزش والدین، دوباره مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت داده‌های به‌دست آمده توسط آزمون U من‌ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که نمره کلی سلامت روانی و نیز نمره زیرمقیاس‌های نشانه‌های جسمانی، اضطراب و بی‌خوابی و افسردگی مادران گروه آزمایش پس از پایان جلسات آموزش برنامه فرزندپروری مثبت، با توجه به تغییرات پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون، کاهش یافته ($P < 0/05$) ولی در تغییرات پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون زیرمقیاس نارساکنش‌وری اجتماعی تفاوت معناداری را نشان نداد ($P = 0/15$). این نتایج بیان می‌کنند که آموزش برنامه فرزندپروری مثبت، سلامت روان‌شناختی مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای را افزایش می‌دهد. با توجه به این که شدت و ضعف مشکلات روانی - عاطفی مادران نقش مستقیمی در میزان و نحوه بروز مشکلات رفتاری - هیجانی کودکان دارد، لذا با انجام مداخلات این‌چنینی که ارتقاء سلامت روانی والدین را موجب می‌شود، می‌توان گام‌های مثبت و استواری در جهت رفع و یا تخفیف مشکلات رفتاری کودکان برداشت.

کلیدواژه‌ها: آموزش والدین، برنامه فرزندپروری مثبت، سلامت روان‌شناختی، اختلال نافرمانی مقابله‌ای.

بررسی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به موقعیت اجتماعی
فرزندان در خانواده‌های چندهمسر

The Study on Attitude of Tehranian Citizens about Children
Social Situation in Polygamous Families

F. Nazerzadeh Kermani, Ph.D. ✉

N. Mohamadi, M. A.

J. Ebrahimi Kheirabadi, M. A.

فرناز ناظرزاده کرمانی ✉

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء

نعیما محمدی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

جواد ابراهیمی خیرآبادی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده:

Abstract

In this Research for Examining the social Situation of children in polygamous Families, the Quantity of Social Capital of children in such Kind of Family Structure has been Measured.

For studying this Question the Survey Method and Questioner Tool were used. The Sample is composed of 400 Tehranian Citizens in Three Parts (3th, 6th and 11th).

در تحقیق حاضر جهت سنجش موقعیت اجتماعی فرزندان در خانواده‌های چندزنی به اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی فرزندان در این ساختار خانوادگی پرداخته شده است. برای بررسی مسئله تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شد. حجم نمونه شامل ۴۰۰ شهروند تهرانی در سه منطقه ۳، ۶ و ۱۱ می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که افراد جامعه نسبت به فرزندانی که در خانواده‌های چندهمسری جامعه‌پذیر شده‌اند نگرش منفی دارند.

✉Corresponding author: Dept. of Sociology, Al-Zahra University, Tehran, Iran
Tel: +9821-88044051-8
Fax: +9821-88035187
Email: nazer14@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - ده ونک - دانشگاه الزهراء - دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد - گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۴۴۰۵۱-۸ - دوزنما: ۰۲۱-۸۸۰۳۵۱۸۷-۸
پست الکترونیک: email: nazer14@yahoo.com

Results of research shows that people of the society have a negative view on children who are living in polygamous families.

Base on Peirre Bourdieu theory, Social Capital consists of 4 indices: normality, security, mutual trust and participation. All of these indices have been evaluated in very low level. According to this research, people prefer to keep much distances in their social interaction with children of polygamous families.

Keywords: Family Structure, Polygamy, Social Capital.

از این رو هنجارمندی، احساس امنیت، اعتماد و مشارکت متقابل که شاخص‌های مطرح شده در تئوری پیر بوردیو جهت سنجش مؤلفه سرمایه اجتماعی است در این گروه بسیار پایین ارزیابی شد. بنابراین افراد جامعه تمایل دارند فاصله زیادی را در مناسبات اجتماعی خود با آنان حفظ کنند.

کلیدواژه‌ها: ساختار خانواده، چندزنی، سرمایه اجتماعی

بررسی تأثیر ازدواج دانشجویی بر روی ابعاد کارکردی عام نظام اجتماعی*

Impact of Student's Marriage on Functional Dimension of Social System

H. Ghanimati, M. A. ✉

M. S. Mahdavi, Ph.D.

حسن غنیمتی ✉

مربی دانشکده مدیریت و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

محمدصادق مهدوی

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

This article is aimed to assess some effects of "Student's Marriage Program", which is established annually in universities and is supported and encouraged by them. The basic questions are: (1) are Student's marriages stable?, and (2) do the marriages positively influence educational attainment, keeping cultural patterns, and other dimensions such as adaptation, goal attainment, integration, and personality systems of the participants? To answer these questions and to explain the subject, an integrated theoretical

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی آثار ازدواج‌های دانشجویی که با حمایت و تشویق دانشگاه‌ها به صورت سالانه برگزار می‌شوند، می‌پردازد. به طور اساسی این مطالعه قصد دارد به این سؤالات پاسخ دهد که: آیا ازدواج‌های دانشجویی از ثبات برخوردار بوده‌اند؟ و در حوزه آموزشی و حفظ انگاره‌های فرهنگی و در ابعاد دیگر (انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام و نظام شخصیتی)، منجر به ایجاد و بروز تأثیرات مثبت شده‌اند؟ برای پاسخ به این سؤالات و تبیین موضوع مورد مطالعه از طریق مرور ادبیات نظری مرتبط با پژوهش حاضر یک مدل نظری منسجم ارائه گردید.

✉Corresponding author: Dept. of Management.
Qazvin azad University, Iran
Tel: +98281-3681598
Fax: +98281-3670122
Email: h-ghanimati@sbu.ac.ir

* این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: قزوین- دانشگاه آزاد اسلامی- گروه مدیریت
تلفن: ۰۲۸۱-۳۶۸۱۵۹۸ دورنما: ۰۲۸۱-۳۶۷۰۱۲۲
پست الکترونیکی: email: h-ghanimati@sbu.ac.ir

model is planned by reviewing related literature. The method was "Survey Research". The tool for gathering data was a questionnaire. The sample was 602 students who were participated in the program in 5 branches of Islamic Azad University. The results showed two-fold directions: First, supporting and encouraging the program by universities positively influences adaptation, goal attainment, integration, and personality systems of participants. Second, it has a paradoxical, positive and negative influence on the inherent role of the higher education institutes to educate individuals.

KeyWords: Social Function, Cultural Patterns, Adaptation, goal Attainment, Integration, Personality Systems, Student's Marriage, Marriages Stable.

و برای آزمون تجربی مدل نظری مورد اشاره از روش پیمایش استفاده شد. اطلاعات از طریق ابزار نیاز از جمعیت نمونه شامل ۶۰۲ نفر از دانشجویانی که در جشن‌های ازدواج دانشجویی در ۵ واحد دانشگاهی آزاد اسلامی شرکت کرده بودند، جمع‌آوری گردید. نتایج نشان می‌دهند که ایفای نقش تسهیلی و تشویقی از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای ازدواج دانشجویان اگرچه می‌تواند از یک سو منجر به آثار مثبت در انطباق با محیط، دستیابی به هدف، حفظ انسجام به‌عنوان ابعاد کارکردی نظام عام اجتماعی و نظام شخصیتی گردد، اما از سوی دیگر این امر دارای آثار دوگانه متضاد در ایفای نقش ذاتی مراکز آموزش عالی در امر آموزش افراد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: موفقیت تحصیلی، کارکرد اجتماعی، انگاره‌های فرهنگی، انطباق، دستیابی به هدف، انسجام، نظام شخصیتی، ازدواج دانشجویی، ثبات ازدواج

تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با
واسطه هوش هیجانی نوجوانان

**The Effect of Family Communication Patterns on Mental
Health with Mediation of Emotional Intelligence**

F. Tajalli, M. A. ✉

M. Latifian, Ph.D.

✉ فاطمه تجلی

مدرس گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور شیراز

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

Abstract

This study investigated the mediation role of emotional intelligence in the relationship between dimensions of family communication patterns (conversation and conformity orientations) and mental health. Participants were 385 (190 girls) selected from high schools of Shiraz city.

Participants completed the modified version of Schutte Scale, Revised. Family Communication Patterns Instrument, and General Health Questionnaire.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده شامل جهت‌گیری گفت‌و شنود و جهت‌گیری هم‌نواپی، با سلامت روان انجام پذیرفت. نمونه پژوهش که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شد شامل ۳۸۵ دانش‌آموز دختر (۱۹۰ نفر) و پسر (۱۹۵ نفر) دوره اول متوسطه شهر شیراز با میانگین سنی ۱۵ سال و دو ماه و انحراف معیار ۶ ماه بود.

✉ Corresponding author: Dept. of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.
Tel: +98711-6134662
Fax: +98711-6286441
Email: S-ftajali@ rose.Shirazu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: شیراز - کوی ارم - دانشگاه شیراز - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی - بخش روان‌شناسی تربیتی
تلفن: ۰۷۱۱-۶۱۳۴۶۶۲
دورنما: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۴۱
پست الکترونیک: email: S-ftajali@ rose.Shirazu.ac.ir

The path analyses showed that (a) conversation orientation was a positive predictor of mental health while conformity orientation was a negative predictor, (b) conversation orientation in comparison to conformity orientation was a significant predictor of emotional intelligence and (c) emotional intelligence was a mediator variable between conversation orientation and mental health. Implications and suggestions for the future studies are discussed.

Key words: Family Communication Patterns; Conversation Orientation; Conformity Orientation; Emotional Intelligence; Mental Health.

برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه تجدیدنظر شده هوش هیجانی، پرسشنامه سلامت عمومی و پرسشنامه تجدیدنظر شده ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که اولاً، جهت‌گیری گفت‌و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت سلامت روان فرزندان و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی آن می‌باشد. ثانیاً جهت‌گیری گفت‌و شنود نسبت به جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده معنادار هوش هیجانی فرزندان است و در نهایت هوش هیجانی نقش واسطه‌ای سهمی بین جهت‌گیری گفت‌و شنود و سلامت روان دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت‌و شنود، جهت‌گیری هم‌نوایی، هوش هیجانی، سلامت روان

بررسی اثربخشی آموزش هوش عاطفی بر سلامت عمومی مادران
فرزندان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر ۱۱ تا ۱۵ سال

**The Effect of Emotional Intelligence Training on Mental Health
of Mothers with Educable Mental Retarded Children**

P. Sharifi Daramadi, Ph.D. ✉

دکتر پرویز شریفی درآمدی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی کودکان استثنایی دانشگاه علامه طباطبایی

Abstract

The objective of the present research is to study the effect of emotional intelligence training on mental health of mothers with educable mental retarded children. In order to select research sample, screening method was used in manner that after completion of a General Health and Emotional Intelligence Questionnaires by educated mothers 25% of them who had taken the lowest score (48 persons) were selected, then the selected sample was divided into two test and control groups.

Both groups completed Goldberg general

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش هوش عاطفی بر سلامت عمومی مادران دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی ۱۱ تا ۱۵ سال انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی ۱۱ تا ۱۵ ساله مدارس استثنایی شهر اصفهان بود. نمونه پژوهش به صورت تصادفی ساده با استفاده از روش غربالگری انتخاب شد. بدین صورت که پس از تکمیل پرسشنامه‌های سلامت عمومی (GHQ_{۲۸}) و هوش عاطفی بار-آن توسط کلیه مادران، ۱۱۱ نفر که پایین‌ترین نمره را در هر دو پرسشنامه کسب کرده بودند به دو گروه آزمایشی (۵۴) و گواه (۵۷) تقسیم شدند.

✉ Corresponding author: Assistant professor
Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
Tel: +9821-44737571
Fax: +9821-44737571
Email: psharifi_d@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - انتهای اتوبان همت - میدان دهکده -
دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی -
گروه روان‌شناسی کودکان استثنایی
تلفن: داخلی ۵۴۴ - ۴۴۷۳۷۵۷۱ - ۰۲۱ دورنما: ۴۴۷۳۷۵۷۱ - ۲
پست الکترونیک: email: psharifi_d@yahoo.com

health questionnaire (28-entry form) at pretest and Bar-N emotional intelligence. Then experimental group was educated for 15 sessions for emotional intelligence. The statistical methods used at the present research are descriptive and inferential.

Experimental group in pretest and posttest courses showed a meaningful difference and training emotional intelligence has had significant effects on total score of mental health as well as its indices in posttest and has improved it.

Experimental and control groups comparison shows that there is significant difference between posttest for both groups indicating that emotional intelligence training has had effects on mental health and improved emotional intelligence of the mothers.

KeyWords: Training emotional intelligence, mental health, mothers, educable, mental retarded, students.

گروه آزمایشی به مدت ۸ هفته طی ۱۵ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای دو جلسه) آموزش هوش عاطفی را دریافت کردند، در حالی که گروه گواه از این آموزش‌ها بی‌بهره بودند. نتایج تحلیل آماری t مستقل نشان داد که بین نمره‌های آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون تفاوت معناداری مشاهده نشده است در حالی که بین نمره‌های آزمودنی‌ها در پس‌آزمون تفاوت معنادار در سطح $P < 0/01$ وجود دارد. آموزش هوش عاطفی بر نمره کلی سلامت عمومی و مؤلفه‌های آن در پس‌آزمون تأثیر داشته و منجر به بهبود آن گشته به طوری که با مقایسه میانگین دو گروه در عامل‌های سلامت عمومی و هوش عاطفی نشان داده شد که آموزش هوش عاطفی بر افزایش هوش عاطفی و بهبود سلامت عمومی مادران دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش هوش عاطفی، سلامت عمومی مادران، دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر

بهداشت باروری؛ اهمیت درآمد یا آموزش؟

مطالعه تطبیقی کشورهای جهان با تأکید بر مناطق آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا

Reproductive Health; Importance of Income or Education? Comparative Analysis of World Countries, with Emphasize on The Middle East, North Africa and Central Asia

A. Madanipour, M. A. ✉

Sh. Ahmadnia, Ph.D.

Z. Rostami, B. A.

Z. Ahmadabadi, M. A.

علی معدنی پور ✉

دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر شیرین احمدنیا

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

زهرا رستمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا

زهرا احمدآبادی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

Reproductive health is one of the necessities and prerequisites of sustainable development in contemporary world. In recent years, global attendance to this issue has been raised.

Since the international conference on population and development in 1994 at Cairo, some countries have tried to improve the standards of reproductive health.

چکیده:

بهداشت باروری یکی از ضرورت‌ها و پیش نیازهای رسیدن به توسعه پایدار در جوامع کنونی به‌شمار می‌رود. از همین‌رو در سال‌های اخیر جامعه جهانی به مسئله بهداشت باروری توجه ویژه‌ای نشان داده است. یکی از مهم‌ترین نشست‌ها در این خصوص کنفرانس بین‌المللی قاهره در مورد جمعیت و توسعه است که در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد و در آن برنامه

✉Corresponding author: Ph.D student at Shahid Beheshti University Department of Sociology, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran
Tel: +9821-29902460
Fax: +9821-22431709
Email: a.madanipour@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۶۰ دورنما: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۷۰۹
پست الکترونیکی: email: a.madanipour@gmail.com

However, high differences between world countries in reproductive health indicators are remained yet.

In this article, first, we have demonstrated different aspects of reproductive health in many regions of the world. Second, most important factors which affect reproductive health have been explained. Secondary analysis is applied as our research method. Data are used from Reproductive Health Report (2006) and Environmental Sustainability Index (2005). The sample constitute of 167 countries that their data were accessible.

Findings show that the mean of reproductive health in Western Europe and North America is more than other regions of the world. Also, the least amount of reproductive health found in Africa and Asia. In addition, we have clarified that cultural variables especially education is very important in explaining dependent variable besides economic variables such as income per capita.

KeyWords: Reproductive Health, Reproductive Rights, Family, Women, Middle East and North Africa, Central Asia.

عمل کشورها در خصوص موضوعات مربوط به جمعیت و توسعه تدوین گردید پس از آن برخی کشورها در جهت رشد استانداردهای بهداشت باروری تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. با این وجود امروز تفاوت‌های قابل توجهی بین کشورهای مختلف جهان از حیث میزان بهداشت باروری وجود دارد. هدف این مقاله اولاً معرفی ابعاد مختلف بهداشت باروری و نمایش وضعیت مناطق مختلف جهان در خصوص شاخص‌های مختلف بهداشت باروری و ثانیاً بررسی مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر آن می‌باشد. در این تحقیق از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است. داده‌ها از گزارش بهداشت باروری (۲۰۰۶) و مجموعه شاخص‌های پایداری زیست محیطی گرفته شده‌اند. نمونه تحقیق شامل ۱۶۷ کشور از مناطق مختلف جهان که اطلاعات آن‌ها در خصوص معرف‌های بهداشت باروری موجود بود، می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت معناداری در میزان بهداشت باروری بین مناطق مختلف دنیا وجود دارد، به این صورت که این میزان در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بیشتر از مناطق دیگر دنیاست. همچنین کمترین میزان بهداشت باروری در بین کشورهای آفریقا و بعد آسیا یافت می‌شود. همچنین در تبیین عوامل مؤثر بر بهداشت باروری نشان داده شده است که با وجود متغیرهای اقتصادی مثل درآمد سرانه کشورها، تأثیر متغیرهای فرهنگی و به خصوص شاخص آموزش به مراتب بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: بهداشت باروری، حقوق باروری، خانواده، زنان، خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای مرکزی